

# مبناپژوهی شرعی مضامین همزیستی در فریضه حج در اندیشه آیت الله خامنه‌ای

مرتضی توکلی محمدی<sup>۱</sup> - مرتضی مطهری فرد<sup>۲</sup>

## چکیده

حج عبادتی راهبردی در اسلام است که همه مسلمانان برای آن جایگاه ویژه‌ای قائل هستند. این جایگاه رفیع و نگرش مشترک، فرصتی برای ایجاد امت واحده و تمدن فرامرزی است. در این زمینه آیت الله خامنه‌ای تأکیدی ویژه بر تمرین عنصر «همزیستی» در حج دارند. لازمه‌های رعایت و تحقق همزیستی بسیار است که از مهم‌ترین آنها وفق روایات و آیات، تغافل و هوشیاری بجا است.

نویسنده در این مقاله با به کارگیری روش تحلیل شبکه‌ای مضامین و با استخراج مضامین محوری بیانات آیت الله خامنه‌ای (خصوصاً در دو سال گذشته) درباره حج (به دلیل پیررنگ شدن گفت‌وگوها درباره تعطیلی موقت حج) و مراجعه به منابع حدیثی و روایی، به ابعاد عناصر همزیستی در آن مضامین محوری پرداخته است. بر اساس یافته‌ها این ابعاد شامل «معنا، عمق، گستره، پیامدها، مانع‌ها و چشم‌اندازهای همزیستی» است.

کلیدواژه‌ها: حج، همزیستی، تغافل، اسلام، آیت الله خامنه‌ای

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول) tavakoli1428@gmail.com

mortezamotaharifard@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه میبد

## مقدمه

حج از عباداتی است که وجه نمادین، سیاسی، اجتماعی و تمدن سازانه آن بر وجه فردی اش غلبه دارد. بنابراین از این حیث اهمیت امت سازانه دارد. این در حالی است که در مقاطع مختلف به دلایل و بهانه‌هایی گفت و گو درباره تعطیلی حج به صورت موقت داغ بوده که این حاکی از عدم فهم و توافق بر سر کارکردهای آن است.

«همزیستی حجاج» کلیدواژه‌ای است که رهبر معظم انقلاب در پیام‌های مربوط به حج آن را زیاد تکرار کرده‌اند. این کلیدواژه برای ایجاد تمدن و جامعه‌سازی اهمیت ویژه‌ای دارد. این تأکید گاه صریح و گاه فحوای محوری کلام ایشان بوده است. از این رو با این دید ابتدا، با روش تحلیل محتوا و شبکه‌ای مضامین در سخنان سال‌های گذشته رهبر معظم انقلاب، متغیرهای مرتبط با حج در استقرار همزیستی را بیان می‌کنیم و سپس طبق روایات و آیات آنها را توضیح می‌دهیم.

محور این مقاله بر اساس بیانات آیت الله خامنه‌ای - جایگاه سیاسی ایشان با مرجعیت فقهی ممزوج شده - با تولید مفاهیم اسلامی و بر اساس متغیرهای بومی جهان اسلام است. از این رو ابتدا تمامی فیش‌های بیانات ایشان از سال ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۲ جمع‌آوری شد. سپس بر این اساس، که تکرار مفاهیم و نزدیکی به اولویت‌ها و چالش‌های فعلی زمان حاضر حکایت از اهمیت گزاره‌های دو سال اخیر داشت، این بیانات منبع استخراج مفاهیم پایه‌ای قرار گرفت. در گام بعد، از این مفاهیم محوریابی مضمونی صورت گرفت و در نهایت به مبناشناسی آن در آیات و روایات مبادرت شد.

## پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مرتبط با همزیستی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای فاقد سابقه نیست. از این رو به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود و در انتها وجه نوآوری این مقاله بیان می‌شود.

۱. محمد جعفری پناه و یوسف خان محمدی در مقاله «اندیشه صلح در منظومه

فکری آیت‌الله خامنه‌ای» (فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی - دوره ۱۷، شماره ۶۰ - ۱۳۹۹ ش) با به کارگیری روش تحلیل محتوا در مفهوم صلح به این نتیجه رسیده‌اند که صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای اصالت داشته و مبنا و ریشه فکری آن به آموزه‌های اسلامی برمی‌گردد و بر مؤلفه‌هایی مانند صلح ساختاری، نگاه غایی به صلح، اجرای عدالت و تاکتیکی پنداشتن مقوله «نرمش قهرمانانه» استوار است.

۲. مهدی مولایی آرانی در مقاله‌ای با عنوان «مناسبات اقوام در ایران در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای» (مطالعات ملی، دوره ۲۳، شماره ۳ (پیاپی ۹۱) - (۱۴۰۱ ش)) با روش تحلیل مضمون در فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای به چهار گزاره می‌رسد: مبانی و اصول برای همزیستی اقوام، اعتقادات و مناسک دینی، روابط و تعلقات فرهنگی - اجتماعی، و حفظ سرزمین و پیشرفت و مشارکت سیاسی - اقتصادی.

۳. هادی رجبی در مقاله «راهبردهای اتحاد جهان اسلام با اکتساب دیدگاه‌های مقام معظم رهبری» (نشریه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام - دوره ۹، شماره ۳ - ۱۳۹۸ ش) با روش تحقیق ترکیبی و به کارگیری مدل SWOT در صدد دسته‌بندی راهبردهای ارائه‌شده در بیانات مقام معظم رهبری در خصوص نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای اتحاد جهان اسلام بوده و به ویژگی‌هایی همچون واقع‌گرایی، آرمان‌گرایی و عمل‌گرایی، همراه با رویکرد انتقادی نسبت به وضع موجود اشاره می‌کند.

وجه نوآوری این مقاله این است که اولاً میناشناسی شرعی بیانات رهبری در هیچ‌یک از آثار به صورت تفصیلی و متمرکز انجام نگرفته است. ثانیاً این مقاله بر آن دسته از بیانات رهبری تأکید کرده که در بستر فریضه شرعی حج قابل تمرین است. ثالثاً شاخصه‌های همزیستی و اراده رهبری از آن، در این مقاله بر اساس شبکه‌سازی مضامین صورت گرفته که این نیز سابقه نداشته است.

## روش تحقیق

از روش‌های مفید تحلیل کیفی، تحلیل مضمون (Thematical Analysis) است که برای بازشناسی، تحلیل و ارائه الگوهای منبعث از داده‌های کیفی استفاده می‌شود. (Braun&Clarke, 2006, p77) این روش سازوکاری برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و مختلف را به داده‌های جهت‌دهنده و صریح تبدیل می‌کند.

تحلیل مضمون به سه روش انجام می‌شود که در این تحقیق روش تدوین شبکه مضامین انتخاب شده است. در تدوین شبکه مضامین، مفاهیم پایه‌ای پس از تلخیص و دسته‌بندی به اصولی صریح‌تر و ملموس‌تر تبدیل می‌شود. به گونه‌ای که در نهایت این مضامین برجسته رابطه شبکه‌ای بین کلیه مفاهیم ذیل یک موضوع خاص را بدون ترتیب‌بندی خاصی نشان می‌دهد. (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰ ش، ص ۷۰) به طور خلاصه تجزیه و کشف متن، و در نهایت ترکیب گزاره‌های مکشوفه مراحل تحلیل شبکه مضمونی هستند. (Attride-Stirling, 2001, p385)

داده‌های این تحقیق بیانات آیت‌الله خامنه‌ای از سال ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۲ است که بعد از غربال کیفی به دو سال آخر محدود شده است.

### مضامین پایه‌ای همزیستی در حج در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای

در این گام از فیش‌های بیانات آیت‌الله خامنه‌ای مضامین پایه‌ای کدگذاری و استخراج می‌شود.

جدول شماره (۱): تبدیل نقل قول به مضامین پایه‌ای

مضامین پایه‌ای	نقل قول	ردیف
<p>۱. حج یک نمونه از همزیستی در برهه محدود</p> <p>۲. ترک جدال ضرورت همزیستی</p> <p>۳. فهم تفاوت و متمایز دانستن آن با تضاد، راهی برای ترک جدال</p> <p>۴. ناگزیر بودن اجتماع انسان‌ها برای کنار هم زیستن</p>	<p>آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۴۰۱/۳/۱۸:</p> <p>یکی از مهمترین مسائلی که در حج هست همزیستی است. افرادی که با هم هیچ آشنایی ندارند با فرهنگ‌های مختلف، از جاهای مختلف، رنگ مختلف، زبان مختلف اینجا با همدیگر باید همزیستی کنند: ﴿لَا رَفَقَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ﴾ (بقره: ۱۹۷) یعنی هیچ حق ندارید با هم درگیری پیدا کنید، مشکل پیدا کنید، همزیستی... ما الآن مشکلاتمان در دنیا مشکلات بشر، نه فقط مشکلات مسلمان‌ها، از چیست؟ از اینکه همزیستی بلد نیستند، به همدیگر زور می‌گویند، به همدیگر بدگویی می‌کنند، جای همدیگر را تنگ می‌کنند، به همدیگر ضربه می‌زنند، حج همزیستی را یاد می‌دهد. در یک برهه محدودی یک نمونه‌ای از همزیستی را به شما نشان می‌دهد، می‌گوید این جوروی باید زندگی کنید.</p>	۱
<p>۱. حج شروع یک قیام و مایه قوام امت اسلامی است.</p> <p>۲. از مصادیق قیام درک ضرورت، و اقدام به صیانت از منافع مادی و معنوی است.</p> <p>۳. صیانت از منافع مادی و معنوی بدون تمرین سبک زندگی و همزیستی ممکن نیست.</p>	<p>آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۴۰۱/۳/۱۸:</p> <p>کلمه «قیام» دو بار در قرآن به کار رفته: یکی درباره ثروت ملی است: ﴿لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾؛ (نساء: ۵) این فقط اینجاست. اموال را، مال را در جامعه، ثروت را خدای متعال وسیله قیام جامعه قرار داده... یکی هم اینجاست: ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾؛ اینجا هم قیام است. خوب، اینجا قیام فقط جنبه مادی ندارد، البته جنبه مادی هم دارد: ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾؛ (حج: ۲۸) آن منافع، شامل منافع مادی هم هست. اما بیش از این منافع معنوی است، منافع رفتاری است، منافع اخلاقی است، یاد دادن سبک زندگی است.</p>	۲

مضامین پایه‌ای	نقل قول	۳
<p>۱. پرهیز از مصلحت‌سنجی‌های شخصی به نفع مصلحت عموم است.</p> <p>۲. تقبیح مزیت‌های کاذب و ترجیحات بلامرجع که نقطه شروع نزاع‌ها بین اشخاص و جوامع بوده و زایل‌کننده همزیستی است.</p>	<p>آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۴۰۱/۳/۱۸:</p> <p>مکه که مال آنها (دولت میزبان) نیست؛ مکه مال همه آحاد مردم است: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ﴾؛ (آل عمران: ۹۶)</p> <p>برای مردم وضع شده: ﴿سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ﴾؛ (حج: ۲۵)</p> <p>آن‌که آنجا ساکن است و آن‌که از بیرون می‌آید، همه با هم یکسانند؛ مال همه است؛ مال این دولت که نیست؛ حالا یک دولتی بالأخره در آنجا حاکمیت پیدا کرده و امور آنجا را به دست گرفته، باید بر طبق مصلحت دنیای اسلام عمل کند، نه بر طبق مصلحت خودش.</p>	<p>۳</p>

مضامین پایه‌ای	نقل قول	ج.ق.
<p>۱. ترک جدال زورگویانه                      ۲. فهم تفاوت و متمایز دانستن آن با تضاد و تنافی                      ۳. نفی هرگونه معیار کاذب برتری بر دیگری                      ۴. ناگزیر بودن اجتماع انسان‌ها برای کنار هم زیستن                      ۵. ضرورت عملی بودن فرایندهای تمدن‌ساز و عدم اکتفا به شعار</p>	<p>آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار دست‌اندرکاران و کارگزاران حج، ۱۴۰۲/۲/۲۷:                      یک نکته مهم اساسی در حج این است که اسلام عملاً نشان می‌دهد که این تمایزهایی که در دنیا وجود دارد، در کشورهای مختلف، این تمایزها را قبول ندارد؛ تمایز نژادی، تمایز جغرافیایی، تمایز طبقاتی؛ اینها را قبول ندارد؛ این نکته خیلی مهم است. امروز کشورهای به ادعای خودشان متمدن، که به نظر بنده هیچ بویی از تمدن نبرده‌اند - همین کشورهایی که می‌دانید خودشان را متمدن و بقیه دنیا را وحشی می‌دانند - گیرند در مسئله سیاه و سفید، گیرند در مسئله نژاد اروپایی و نژاد غیر اروپایی، گیرند در مسئله مهاجرین. هزاران آدم مهاجر [اگر] در دریا غرق بشوند، ککشان نمی‌گزد، اهمیتی به آنها نمی‌دهند، اصلاً کانه [آنها را] انسان نمی‌دانند، موجود قابل توجه نمی‌دانند. به حیوان خانگی خودشان به مراتب بیشتر اهمیت می‌دهند تا یک بیگانه‌ای که در همسایگی آنها زندگی می‌کند. این حوادثی است که روزمره انسان دارد در دنیا مشاهده می‌کند؛ گیرند، نتوانسته‌اند این مشکل را حل کنند. اسلام حل کرده، آن هم نه در زبان؛ حالا در زبان که قرآن کریم [می‌فرماید]: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (حجرات: ۱۰) و آیاتی مانند این، در روایات و در کلمات بزرگان اسلام [هم] که این حرف‌ها پُر است؛ اما در عمل، اسلام زبان رفع تمایزش زبان عملی است؛ کجا؟ در حج؛ سیاه هست، سفید هست، از فلان نقطه دنیا هست، از فلان تمدن هست، از فلان تاریخ هست، همه در کنار هم هستند، بدون هیچ تمایزی؛ هیچ تمایزی با همدیگر ندارند؛ با هم راه می‌روند، با هم طواف می‌کنند، با هم سعی می‌کنند، با هم وقوف می‌کنند. اینها خیلی مهم است.</p>	<p>۴</p>

مضامین پایه‌ای	نقل قول	۵
<p>۱. همزیستی کلیه بلاد، خودشان و آنچه در آنهاست اتکا می‌کردند، هلاک می‌شدند و شهرها ویران می‌شد و جذب کالا و سود بردن‌ها از بین می‌رفت و از خبرها آگاه نمی‌شدند. این است علت حج! (این بابویه، ۱۹۶۶م، ج ۲، ص ۴۰۶)</p> <p>۲. لازمه همزیستی بلاد با هم، اطلاع از وضعیت یکدیگر و اهتمام به امور مشترک است؛ به خصوص برای امت واحده اسلامی.</p>	<p>این حرف‌ها را امام صادق <small>علیه السلام</small> به مناسبت وجوب حج می‌زنند:</p> <p>«كُلُّ قَوْمٍ مِنَ التَّجَارَاتِ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ وَ لَيْسَتْ فِعْ بِذَلِكَ الْمُكَارِي وَ الْجَمَالُ وَ لِيُعْرَفَ آثارُ رَسُولِ اللَّهِ <small>صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَسَلَّمَ</small> وَ تُعْرَفَ أَحْبَابُهُ وَ يُذَكَّرَ وَ لَا يُنْسَى وَ لَوْ كَانَ كُلُّ قَوْمٍ إِتْمَانًا يَتَّكِلُونَ عَلَى بِلَادِهِمْ وَ مَا فِيهَا هَلَكُوا وَ خَرِبَتِ الْبِلَادُ وَ سَقَطَتِ الْجَلْبُ وَ الْأَرْبَاحُ وَ عَمِيَّتِ الْأَخْبَارُ وَ لَمْ يَقِفُوا عَلَى ذَلِكَ ، فَذَلِكَ عَلَّةُ الْحَجِّ»؛</p> <p>«امام صادق <small>علیه السلام</small> فرمودند: و اگر هر قومی به شهرهای خودشان و آنچه در آنهاست اتکا می‌کردند، هلاک می‌شدند و شهرها ویران می‌شد و جذب کالا و سود بردن‌ها از بین می‌رفت و از خبرها آگاه نمی‌شدند. این است علت حج!»</p> <p>از جمله تعابیری که در این روایت هست، [این است که] می‌فرمایند: «وَلَوْ كَانَ كُلُّ قَوْمٍ إِتْمَانًا يَتَّكِلُونَ عَلَى بِلَادِهِمْ وَ مَا فِيهَا»؛ اگر قرار باشد که هر جمعیتی، هر ملتی فقط به خودشان، به مسائل کشور خودشان، به مسائل شهر خودشان بپردازند، به آنها فقط تکیه کنند و اهمیت بدهند، «هَلَكُوا»؛ از بین می‌روند. اگر شما ندانید در دنیا چه می‌گذرد، ضعیف می‌شوید؛ «هَلَكُوا» تعبیر امام صادق <small>علیه السلام</small> است. «وَ خَرِبَتِ الْبِلَادُ»؛ همان کشور خودتان، منطقه مورد نظر خودتان هم نابود می‌شود، خراب می‌شود. «وَ سَقَطَتِ الْجَلْبُ وَ الْأَرْبَاحُ» - «جَلْبُ» یعنی درآمد - درآمدهای ملی‌تان هم کاهش پیدا می‌کند. باید بدانید در دنیا چه خبر است. «وَ عَمِيَّتِ الْأَخْبَارُ»؛ از دنیا بی‌خبر می‌مانید. باید به دنیا نگاه کنید، ببینید دنیا چه خبر است.</p>	<p>۵</p>

مضامین پایه‌ای	نقل قول	ج.ق.
<p>۱. منافع تمدن ساز حج کل بشریت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نه فقط امت اسلامی را.</p> <p>۲. منافع مادی هم باید به وسیله امت اسلامی پیگیری شود.</p> <p>۳. هدف حج، همزیستی در سطح «جهانی» و «فراسرزمینی» است.</p>	<p>آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار دست‌اندرکاران و کارگزاران حج، ۱۴۰۲/۲/۲۷:</p> <p>﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾؛ (حج: ۲۸) از امام صادق (علیه الصَّلَاةُ وَالسَّلَام) پرسیدند: مراد از این منافع، منافع اخروی است؟ یعنی ثواب و مانند اینها؟ فرمود: «نه، هر دو». البته منافع اخروی هم هست، اما منافع دنیوی [هم هست]. امت اسلامی در حج منفعی می‌برد که با هیچ عامل دیگری این منفعت قابل استیفا نیست؛ جز با حج، جز با این میقات بین‌المللی [ممکن نیست]؛ فقط با این میعاد جهانی ممکن است. خب، از جمله منافع دنیوی، ارتقای سطح مدنیت دنیای اسلام است، به خاطر همین تفاهم و هماهنگی‌هایی که وجود دارد. شارع مقدس همه آحاد امت اسلامی را [خطاب می‌کند]: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ﴾ (حج: ۲۷) در این کلمه «ناس» هم نکاتی وجود دارد، در چند آیه شریفه قرآن بحث «ناس» است، بحث «مؤمنین» نیست؛ یکی همین آیه [است]: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ﴾؛ مال آحاد مردم و همه بشریت است.</p>	<p>۶</p>

مضامین پایه‌ای	نقل قول	۳
<p>۱. همزیستی با استکبار فاقد معناست و این موضوع تخصصاً از موضوع همزیستی خارج است.</p> <p>۲. تمدن اسلامی با همزیستی با مستکبران قابل جمع نیست.</p> <p>۳. یکی از اهداف همزیستی امت اسلامی، تشکیل جبهه علیه مستکبران است.</p>	<p>آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار دست‌اندرکاران و کارگزاران حج، ۱۴۰۲/۲/۲۷</p> <p>اگر حالا یک فراخوانی داده بشود... این حضور برای یک غرض و یک مقصودی است؛ معنایش این نیست که به آنجا بیایید و بروید؛ نه، [یعنی] بیایید تا یک کاری انجام بگیرد، بیایید تا یک هدفی تأمین بشود؛ حج این است... . آن هدف چیست؟ ارتقای امت اسلامی است؛ آن هدف، نزدیکی دل‌های آحاد امت اسلامی به یکدیگر است؛ آن هدف، اتحاد امت اسلامی است؛ در مقابل چه چیزی؟ در مقابل کفر، در مقابل ظلم، در مقابل استکبار، در مقابل بت‌های بشری و غیر بشری، در مقابل همه آن چیزهایی که اسلام آمد برای اینکه آنها را از بین ببرد؛ جمع بشوند تا با اینها مقابله کنند؛ مثلاً فرض کنید که امروز مسئله اسرائیل، رژیم صهیونیستی، مطرح است؛ همه دنیای اسلام باید جمع بشوند و این اجتماع، پیغامی علیه رژیم صهیونیستی داشته باشد. امروز مسئله دنیا، نفوذ قدرت‌های استکباری است؛ همه باید جمع بشوند برای اینکه اعلام حضور بکنند، اعلام قدرت بکنند، در مقابل قدرت‌های استکباری سینه سپر کنند؛ اصلاً قضیه این است. این منافع دنیوی است. البته منافع دنیایی را [اگر] بخواهیم بشمریم، باید ده‌ها صفحه نوشت و گفت؛ حالا ما دو جمله عرض کردیم</p>	۷

تبدیل مضامین پایه (درباره نسبت حج و همزیستی) به مضامین محوری در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر مضامین پایه مستخرج از نقل قول‌ها، استخراج مضامین محوری با هدف خلاصه‌تر و ملموس‌تر شدن مضامین و کشف ریشه دلالت‌دهنده به این مضامین انجام می‌شود. در واقع مضامین محوری معرف و نماینده مفاهیم جزئی، پراکنده، مصداقی و... ذیل یک مضمون فراگیرتر است.

جدول شماره (۲): تبدیل مضامین پایه‌ای به مضامین محوری

ردیف	مضمون محوری	مضمون پایه‌ای مرتبط
۱	همزیستی یک مقصد اصیل (و نه فرعی) در فریضه حج است.	روح حاکم بر کلیه بندها
۲	همزیستی صیانت حداکثری از منافع مادی و معنوی آحاد بشر و مانع ضعف و هلاکت است.	بندهای ۲ و ۵ و ۶
۳	غایت همزیستی تمدن است.	بندهای ۳ و ۴ و ۶ و ۷
۴	لازمه همزیستی حفظ حداکثری ارتباط انسان‌ها با هم است.	بندهای ۱ و ۳ و ۵
۵	لازمه ارتباط حداکثری انسان‌ها ترک جدال آنها با یکدیگر است.	بندهای ۱ و ۳ و ۴
۶	زیاده‌خواهی، برتری‌جویی، ترجیح منافع شخصی بر عمومی از ریشه‌های جدال است.	بندهای ۱ و ۳
۷	تمدن اسلامی و انسانی با همزیستی با مستکبران قابل جمع نیست. بنابراین قیام و ایستادن مقابل مستکبران جدالی ممدوح و لازمه همزیستی جهانی است.	بند ۷
۸	غلبه بر مستکبران جز با وحدت آحاد بشر ممکن نیست.	روح حاکم بر کلیه بندها
۹	توفیق در وحدت ریشه در اصلاح سبک زندگی و آموختن قواعد همزیستی دارد.	بند ۲
۱۰	همزیستی نیازمند نادیده گرفتن تفاوت‌هاست (نه تضادها).	بندهای ۱ و ۳ و ۴
۱۱	همزیستی نیازمند نادیده گرفتن اختلافات جزئی است.	روح حاکم بر کلیه بندها
۱۲	لازمه همزیستی بلاد با هم، آگاهی از وضعیت یکدیگر و اهتمام به امور مشترک است، به خصوص برای امت واحده اسلامی.	بند ۵
۱۳	همزیستی التزام و تمرین عملی می‌خواهد.	بند ۱ و ۲

## صورت‌بندی نهایی مضامین محوری همزیستی در حج در کلام آیت الله خامنه‌ای

این صورت‌بندی، که مبتنی بر مفاهیم محوری مستخرج است، با هدف جهت‌دهی به کشف مبانی قرآنی و روایی اندیشه آیت الله خامنه‌ای انجام شده است.



نمودار شبکه مضمونی نسبت حج و همزیستی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای

بر اساس آنچه از پیام‌های رهبر انقلاب احصا شد، یکی از نقاط مطلوب برای فهم بهتر همزیستی و لوازم ایجاد آن، دقت در مفهوم هوشیاری و تغافل است. اگر تغافل هوشیارانه نسبت به تفاوت‌ها و تمایزها وجود نداشته باشد نمی‌توان جبهه متحدی از جامعه برای نیل به اهداف تمدنی ساخت و اگر هوشیاری نسبت به اصول حیاتی یک جامعه متمدن در رویکردها پدید نیاید، در پرتو تغافل‌های افراطی تمدنی بی‌هویت و منفعل پدیدار خواهد شد که هر دوی اینها از ساحت امت اسلامی باید مبرا باشد. از این رو روایت ذیل درباره نسبت متوازن همزیستی، با تغافل و هوشیاری (فطنه) مفید خواهد بود. روایت مذکور به شرح ذیل است:

وقد جمع محمد ﷺ صَلَاحَ شَأْنِ الدُّنْيَا بِحِذَائِهَا فِي كَلِمَتَيْنِ، فَقَالَ: صَلَاحَ شَأْنِ التَّعَايُشِ وَالتَّعَاشِرِ مِثْلَ مَكْيَالٍ، ثَلَاثًا فِطْنَةٌ وَثَلَاثُ تَغَافُلٍ. (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۵۹؛ الآبی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۳۶؛ حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۰۰؛ ابن سعید

حلی، ۱۳۹۴ق، ص ۱۰۰؛ شهید اول، ۱۳۷۹ش، ص ۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۲۴۱)

حضرت محمد ۹ تمامی صلاح دنیا را در دو کلمه جمع کرده است؛ پس فرمود: مصلحت همزیستی سالم و معاشرت مردم همانند پیمان‌های است که دوسوم آن هوشیاری و یک سوم آن تغافل است.

این روایت در کتب فوق به صورت مرسل آمده است.<sup>۱</sup> هرچند روایتی مشابه با مضامین این روایت نیز نقل شده است. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۸۷) این روایت محتملی برای تحلیل ابعاد شش‌گانه ذکر شده درباره توصیه به همزیستی خطاب به حجاج از سوی رهبری قرار داده می‌شود.

### الف) معنای همزیستی

همزیستی در روایات عمدتاً با واژه «تعایش» و گاهی واژه «تعاشر» ذکر شده است. «تعایش» از ریشه «ع ی ش» و از باب تفاعل است. از ویژگی‌های باب تفاعل این است که معمولاً ناظر به مشارکت در فعل است؛ به نحوی که هر دو طرف در کسوت فاعل باشند. واژه‌شناسان می‌گویند: عیش، اخص از حیات است چرا که حیات برای حیوان (بالمعنی الأعم)، قابل تصور است. (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۵۹۶) اما عیش، مختص انسان است و بعد از حیات و حصول اختیار عارض و حادث می‌شود. (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۸، ص ۲۷۷) و آن کیفیت و برنامه‌ای شامل خوراک، پوشاک، مسکن، شغل، خواب و تمامی امور قابل تصور زندگی است که برای ادامه حیات لازم است. (مصطفوی،

۱. ارسال روایات منقول وی به دلیل سستی یا دست نیافتن او به اسناد نبوده و به تصریح خود او از جهت تخفیف در حجم کتاب تحف العقول بوده است و برای خود او شبهه‌ای در وجود و صحت اسناد روایات وجود نداشته است. (ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، ص ۴) حلوانی، که تقریباً هم‌دوره ابن شعبه یا با فاصله اندکی از وی می‌زیسته، نیز علت حذف اسناد این روایت و اکثر روایات کتاب خویش را رعایت اختصار گفته است. (حلوانی، نزهة الناظر وتنبیه الخاطر، ص ۹)

۱۳۶۰ش، ج ۸، ص ۲۷۷؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۴، ص ۱۴۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۳۲۲؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۸۹) معنای تعایش (مصدر)، همزیستی مشترک مردم بدون در نظر گرفتن دین، مذهب و... است؛ «التَّعَايشِ السَّلْمِيَّةِ» زندگی و همزیستی مسالمت‌آمیز میان دولت‌هایی که دارای نظام‌های سیاسی و مخالف با یکدیگرند. (مهیار، بی‌تا، ص ۲۳۸؛ ارژنگ، ۱۳۹۹، ص ۳۶)

نقطه تأکید، تمرین همزیستی در حج برای انسان‌هاست. انسان‌ها برای پایداری حیات خود نیازمند مرادده‌اند و این نیاز یک ضرورت بشری است و مسلمان و غیرمسلمان از آن ناگزیرند. بنابراین مسلمانان باید برای استمرار استیفای منافع مادی و معنوی خود در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی این ضرورت از همزیستی را ادراک و بدان عمل کنند.

«تعاشر» مصدر و از ریشه «ع - ش - ر» و به معنای مصاحبت (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۴۰۴)، دوستی و آمیخته شدن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۷۴؛ مهیار، بی‌تا، ص ۵۹۴) مشتقات «تعاشر» - مانند عَشْرَه (که ده و نماد کمال عدد است) و عشیره (اقارب بستگان که به کمک هم متکثر می‌شوند) به نوعی افاده‌کننده مفهوم تقریب و کمال در مصاحبت است. (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۵۶۷) به گونه‌ای که مثلاً معشر (مانند جماعت مشرکان یا جماعت مسلمانان) یا معاشر (جماعت کل مردم) بدان معناست که جماعتی گرد امری واحد جمع شوند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۷۴) این معنا از وجوه مختلفی برگردهمایی در حج می‌تواند منطبق باشد. (ارژنگ، ۱۳۹۹، ص ۳۶)

### ب) گستره همزیستی

از آنجا که این الفاظ در روایات به صورت عام و در مقام بیان روابط بین انسان‌ها آمده، گستره آن نیز تمام انسان‌ها هستند. هرچند عمق این تعایش و تعاشر می‌تواند متفاوت باشد، ولی گستره آن به هیچ وجه مقید در طیف خاصی از انسان‌ها نیست.

طبیعی است که با برشمردن جهات عمق بخشی به تعایش و تعاشر می توان به نتایج مهمی دست یافت. مؤید این سخن، مفهوم عمیقی است که در قرآن کریم آمده است:

﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ﴾  
(نحل: ۱۱۲)

شهری که از آسیب‌ها در امان بود و مردمش در آن آرامش داشتند و روزی اش از هر سو و مکان به خوبی و فراوانی به آن می‌رسید.

در این مثال قرآنی یکی از شاخص‌های قریه، که دارای امنیت (به معنای فراگیر آن) است، باز بودن راه حصول رزق از کل مکان‌ها است و این لفظ در بردارنده هیچ قیدی نیست؛ به بیان دیگر باب روزی، که از مصادیق تعایش است، برای این قریه از همه طرف بدون وجود قیدی باز بوده است. (ارژنگ، ۱۳۹۹، ص ۴۵)

### ج) عمق همزیستی

هرچند تفاوت (و نه تضاد) عقیده، مذهب، نژاد و... (طبق اطلاق آیه ذکرشده) به تعایش آنان لطمه نمی‌زده است، اما عمق تعایش طبعاً تابع عناصری است که نیازمند تحقیقی جداگانه است؛ برای نمونه قرآن کریم توصیه می‌کند که باید با مؤمنان جویای خداوند رابطه‌ای توأم با صبر داشت که لازمه آن گاهی تغافل در اموری است که متعلق صبر ورزیدن است. در عین حال از تعایش با غافلان نیز منع نمی‌کند، اما متابعت از آنها را نهی می‌کند:

﴿وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَ لَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنِ ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا﴾. (کهف: ۲۸)

با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می‌خوانند، و تنها ذات او را می‌طلبند، هرگز چشم‌های خود را، به خاطر زینت‌های دنیا، از آنها برنگیر،

و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن، همانها که پیروی هوای نفس کردند، و کارهایشان افراطی است. عمق تعایش و تعاشر به اعتبار عقیده سه تقسیم بندی دارد:

### یک- دینی

تسامح نسبت به اهل کتاب، که نزد مسلمانان «اهل ذمه» و «معاهد» خوانده می شوند، مبتنی بر یک نوع همزیستی مسالمت آمیز است. این تسامح با اهل کتاب سبب می شود که آنها در قلمرو اسلام غالباً خود را در امنیت و آسایش حس کنند؛ چنان که اهل نصارای بیژانس، که به وسیله کلیسای رسمی تحت تعقیب واقع می شدند، به قلمرو مسلمانان پناه می جستند. این سعه صدر و تسامح مسلمانان از اسباب عمده در ایجاد رفاه و آسایش بود که تمدن و فرهنگ انسانی بدان نیاز دارد. (مطهری الف، ۱۳۹۰ ش، ج ۱، ص ۱۱۱) کنت دویگونو (نویسنده فرانسوی صاحب نظرهای نژادگرایانه) در این باره می گوید:

اگر اعتقاد مذهبی را از ضرورت سیاسی جدا کنند، هیچ دیانتی تسامح جوتر و شاید بی تعصب تر از اسلام وجود ندارد. در واقع همین تسامح و بی تعصبی بود که در قلمرو اسلام، بین اقوام گوناگون، تعاون و معاضدت را که لازمه پیشرفت تمدن واقعی است، به وجود آورد و همزیستی مسالمت آمیز عناصر نامتجانس را ممکن ساخت. (همان، ص ۱۱۲)

مسلمانان در حج این همزیستی را تمرین می کنند. جایی که یک پشه از کشته شدن در حرم امن الهی به حکم اسلام مصون است، انسان های دگراندیش جایگاه خود را دارند. (ارژنگ، ۱۳۹۹، ص ۴۵-۴۶)

### دو- مذهبی

مؤلفه محوری و اصلی در امت محوری، وحدت مذهبی است. امت جامعه ای است که در آن افرادی که دارای ایمان، هدف، ایدئولوژی و تعهد و انگیزه هستند با یکدیگر اعلام اتحاد می کنند، به این نیت که در راه تأمین اهداف مقدس مشترک خود

کوشش و جهاد کنند. اسلام با تأسیس این مفهوم یک نوع تعهد و مسئولیت، که به دنبال خود نهضت و انقلاب را برای تأمین هدف مشترک در بردارد، به وجود آورده است. (بیگدلی، ۱۳۷۴ش، ص ۷۵) ائمه علیهم السلام برای عقیم گذاشتن غرض دشمنان مبنی بر دشمنی افکنی مذهبی، به صورت لفظی و عملی از اصل وجود خلاف و شکاف مذهبی تغافل می‌کردند. (گرجی، ۱۴۰۱ش، ص ۱۲۲) امام صادق علیه السلام به قدری روی اشتراکات مذهبی تأکید می‌کنند که گویی دامن زدن به اختلاف مذهبی را امری شرم‌ناپذیرند. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۱۷۴)

وحدت مذهبی شرطی اساسی در تشکیل امت واحده اسلامی است. در غیر این صورت غلبه بر دشمن مشترک و شرور (مانند صهیونیسم خبیث) ناممکن خواهد بود. یک تمدن قوام یافته بایستی مرزبندی صحیح و قدرتمندی در حق و باطل داشته باشد که در این صورت می‌تواند مسیر تکامل تمدنی را تعقیب کند. حج نماد بارزی از این جبهه بندی است. به نحوی که مبتنی بر کلام خداوند در قرآن، «یأس کفار از تعرض به دینشان» محقق می‌شود.

### سه - انسانی

اینکه ثبات بسیاری از مواضع زندگی بشری مبتنی بر تغافل است، یک ضرورت عقلی است؛ برای نمونه در نهاد خانواده تغافل از کاستی‌ها، قلت مطالبه، عفو، مدارا و... از تزلزل این نهاد مقدس جلوگیری می‌کند و به طور کلی هر انسان آگاه شرطیت تغافل را در تحقق هرگونه تعاشر انسانی می‌تواند درک کند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق، ص ۳۲) در سطح ملی و بین‌المللی نیز این شرط حاکم است. جبهه متحد حق علیه باطل در سطوح مختلف جز با تغافل نسبت به تمایزات غیر مهم امکان پذیر نیست. بنا بر توضیحات فوق، عمق تعایش و تعاشر در روابط انسانی (فارغ از دین و مذهب) به قدری باید باشد که بسترهای اولیه حیات انسانی پابرجا بماند و در روابط بین ادیانی

بسترهای تمدن توحیدی شکل بگیرد. در نهایت تعایش و تعاشر بین مذهبی، باید متناسب با تمدن تحقق یافته توحیدی باشد.

#### د) پیامدهای همزیستی

حداقل پیامدهایی که تعایش دارد امنیت و آرامش همه جانبه است. در اخبار مختلف بر این پیامد تأکید شده است که از باب نمونه بر اساس روایت ذیل، فقدان حتی یکی از این موارد موجب نقص در عیش و... است:

خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ زَائِلَ الْعَقْلِ مَشْغُولَ الْقَلْبِ فَأَوْلَاهَا صِحَّةُ الْبَدَنِ وَ الثَّانِيَةُ الْأَمْنُ وَ الثَّالِثَةُ السَّعَةُ فِي الرِّزْقِ وَ الرَّابِعَةُ الْأَنْبِيَسُ الْمُؤَافِقُ قُلْتُ وَ مَا الْأَنْبِيَسُ الْمُؤَافِقُ قَالَ الرُّوْجَةُ الصَّالِحَةُ وَ الْوَلَدُ الصَّالِحُ وَ الْخَلِيْطُ الصَّالِحُ وَ الْخَامِسَةُ وَ هِيَ تَجْمَعُ هَذِهِ الْخِصَالَ الدَّعَاةُ. (ابن بابویه، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۲۸۴)

این پیامدها عبارتند از: صحت بدن، امنیت، وسعت رزق، انیس موافق (همسر و فرزندان، دوست صالح)، و آسایش و آرامش (دربردارنده همه موارد قبل است).

نکته قابل توجه در اینجا تفکیک «انیس» و «خلیط» است؛ گویی خود روایت عمق تعایش و تعاشر را پیش فرض طبیعی روابط انسانی می‌داند. همچنین «صالح» را می‌توان به دو صورت معنا کرد: یکی در مقابل «متخاصم» و دیگری در مقابل «فاجر» که هر دو این تعبیر در تحقق تعایش و تعاشر نیک قابل استفاده است و حداقل پیامدهای آن هستند؛ یعنی حداقل این است که در اختلاط انسان‌ها صلح و آشتی حاکم باشد و متعالی‌ترین است که خلیط در این اختلاط مزین به اعمال صالح باشد.

با توجه به معنای تعایش - که اشاره به دوسویه بودن آن بین انسان‌ها دارد و افاده مفهومی اجتماعی می‌کند - مصونیت بدن، امنیت (همه جانبه)، گشودگی راه‌های توسعه رزق و همچنین شرایط مناسب برای تشکیل خانواده و اختلاط و معاشرت سالم

حداقل لوازم یک جامعه با سطح تعایش مطلوب است.

در اینجا غایت تعایش و همچنین تعاشُر بین انسان‌ها (طبق روایت بالا) به حدی است که حداقل عقل را از زوال و قلب را از اغشاش بازدارد و همچنین حداکثر دنیوی آن حالتی است که آخرت در مقابل دنیا ایثار نشود. (اعلی: ۱۶ و ۱۷) اگر تمدنی بخواهد مقبول همگان باشد، باید منافع اولیه یک حیات بی دغدغه را فراهم کند. (ارژنگ، ۱۳۹۹، ص ۳۷)

### هـ. موانع همزیستی

طبق روایات فراوانجدال‌های بیهوده و غیر احسن از علل اصلی عداوت و کینه بین انسان‌هاست. طبق روایت مطلع کلام، تغافل و هوشیاری در مواضع حساسیت برانگیز و نامناسب مانع اصلی همزیستی است. حساسیت و برتری جویی بر اساس تفاوت‌های مذهبی، نژادی، ملیتی و امثالهم پیامدی جز «فشل» ندارد و تغافل نسبت به امور مهم‌تر و حیاتی هم نتیجه‌ای جز تفوق مستکبران ندارد. آنچنان‌که امام علی علیه السلام فرمودند: «مَنْ نَامَ عَنْ نُصْرَةِ وَلِيِّهِ اَنْتَبَهَ بِوُطْأَةِ عَدُوِّهِ»؛ «کسی که هنگام یاری ولی خود بخوابد، بالگد دشمن بیدار خواهد شد». (آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۳)

برای دانستن این نکته که تغافل ناظر به حوزه عقیده است یا رفتارها و اینکه مراد از این رفتارها اخلاقیات است یا احکام الزام‌آور، باید متعلق تغافل تعریف شود. تغافل لفظی مطلق و عام، و تقیید آن منوط به تقیید متعلق آن است. با توجه به مدعای این نوشتار، متعلق تغافل تمام امور و مواردی است که تعایش یا تعاشُر را برهم می‌زند. بنابراین آنچه می‌تواند به تعایش و تعاشُر لطمه بزند به هیچ وجه منحصر به امر خاصی نیست و می‌تواند هم از سنخ عقاید باشد هم از سنخ رفتارها؛ اعم از اخلاقیات یا احکام.

گفتنی است که تغافل در این روایت به معنای بلاهت یا ساده‌انگاری نیست. بلکه منظور تغافلی است که دوچندان این تغافل، فطنة پشت آن است و به لسان روایت:

«فَلَمْ يَجْعَلْ لِعِيرِ الْفِطْنَةِ نَصِيْباً مِنَ الْخَيْرِ وَلَا حِطّاً فِي الصَّلَاحِ لِأَنَّ الْإِنْسَانَ لَا يَتَنَغَافَلُ إِلَّا عَن شَيْءٍ قَدْ فَطَنَ لَهُ وَ عَرَفَهُ». خداوند برای شخص غیر زیرک (باهوش) نصیبی از خیر و بهره‌ای از صلاح قرار نداد. زیرا انسان غفلت نمی‌کند مگر از چیزی که به آن آگاهی یافته است. (جاحظ، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۸۸)<sup>۱</sup> از این رو ذکر برخی مصادیق مذموم و ممنوع از تغافل خالی از فایده نیست.

امیرمؤمنان عليه السلام نسبت به دادرسی مظلومان و رفع ستمکاران از آنچه بر دیده‌ها ظاهر شده باشد، تغافل را مذمت کرده‌اند. (مجلسی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۶۰) در مقابل رسول خدا صلی الله علیه و آله از آنچه ناخوشایندشان بود تغافل می‌کردند و این‌گونه بود که موجب دفع کسی از خود نمی‌شدند. (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۶۳)

جامعه سالم و متوازن تغافل از دشمنی یکپارچه استکبار را مذمت می‌کند و دامن زدن به اختلافات و اشتباهات قابل اغماض در درون جبهه اسلامی را نیز به همان میزان مغایر استقرار همزیستی و تمدن اسلامی می‌شمارد. حاکمان ملت‌های مسلمان بایستی با پایبندی به این ملاک از روایات در دشمن‌شناسی و دوست‌شناسی دقت نظر به خرج دهند. به طور کلی هرگونه فعالیت برای تحمیل امری بر دیگران در صورتی که آنها به امر خاصی معتقد یا وابسته باشند، موجب دلزدگی و دوری از آنها خواهد شد؛ مگر این امر با ظرافت و هوشیاری خاصی و با رعایت اصل اهم و مهم انجام پذیرد.

قواعدی که روح حاکم بر آن سعی بر تغییر رفتار و عقاید دیگران، یا متضمن حساسیت نسبت به عقاید و رفتارهایشان است، طبعاً لازمه‌اش عدم تغافل است و این ظن را ایجاد می‌کند که متضاد تعایش و تغافل است. از این رو در مبانی اسلامی اصول، قواعد و فرایضی وجود دارد که به ظاهر با تعایش و معاشر متعارض یا متزاحم جلوه می‌کند.

۱. برای مطالعه درباره تغافل یا هوشیاری حسن یا مذموم رک: احمدی میانجی، اطلاعات و تحقیقات در اسلام، ۱۳۸۱ش.

بنابراین با ذکر یک مقدمه می‌توان نسبت برخی از این موارد را با اصل همزیستی در اسلام و تغافل و هوشیاری برشمرد. مقدمه مذکور این است که تعایش و تعاشر می‌تواند با ابعاد مختلف دارای عمق مختلف باشد:

الف) عقیدتی: اگر دو انسان در جامعه عقیده مشترک داشته باشند، بی‌شک تعایش و تعاشرشان عمیق‌تر خواهد شد.

ب) عملی: اگر دو انسان هم عقیده عملکردشان نیز به نسبت عقایدشان مورد اشتراک و پسند همدیگر باشد، بی‌شک تعایش و تعاشر آنها عمیق‌تر خواهد بود.

ج) اگر نه عقیده و نه عمل افراد قابل تغییر نباشد، تغافل وجیه‌ترین راه برای حفظ حداقل‌های تعایش در میان آنها خواهد بود. (ارژنگ، ۱۳۹۹، ص ۳۷) اصل دعوت، امر به معروف و نهی از منکر، ارشاد جاهل، جهاد ابتدایی، نجس دانستن کفار و احکام متعددی در ظاهر در تعارض یا تراحم با همزیستی با دیگر ملل و ادیان هستند که از باب نمونه اصل دعوت را واکاوی می‌کنیم:

اصل دعوت به اسلام در پی آن است که همزیستی را از سطح مادی به سطح تفاهم معنوی و دینی برساند. بنابراین اصل دعوت نباید به حداقل‌های همزیستی لطمه بزند؛ به گونه‌ای که نه تنها غرض شارع از دعوت محقق نشود، بلکه امنیت اجتماعی، که لازمه بهره‌مندی حداقلی از تعایش است، را نیز مخدوش کند. پس نسبت اصل دعوت و همزیستی را می‌توان در چند مورد بیان کرد:

۱. ضرورت همزیستی مسلمانان با عموم مردم (فارغ از دین و مذهب) اجتناب ناپذیر است که لازمه این همزیستی، تغافل هوشیارانه و بجا نسبت به بسیاری از امور، از جمله دین دیگران، است که این امر مؤید روایی نیز دارد: وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (الصادق) عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبِي بَصِيرٍ «يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَا تُفْتَشِ النَّاسَ عَنْ أَدْيَانِهِمْ فَتَبْقَى بِلَا صَدِيقٍ». امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به ابوبصیر فرمود: ای ابا محمد در مورد دین مردم تفحص و تجسس نکن زیرا بدون دوست

خواهی ماند. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۷۱۷) البته مراد این روایت تفتیش عقیده و دین است، نه سؤال کردن درباره دین که در روایات منعی برای آن وجود ندارد<sup>۱</sup> و چه بسا کلید شروع گفت وگوهای علمی با غرض هدایت دوجانبه و برجسته کردن اشتراکات است و به نوعی می‌تواند راهبردی برای آیه ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...﴾ با حکمت و اندرز نیکو به سوی راه پروردگارت دعوت نما، و با آنها به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن، (نحل: ۱۲۵) باشد. به شرط آنکه سؤال از اهل ذکر (نه اهل غفلت)، (نحل: ۴۳) و با هدف گشودن خزانه علم باشد. (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۰۷)

۲. این نوع همزیستی با غیر مسلمانان را قرآن تأیید کرده است: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾. خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند، چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. (ممتحنه: ۸) فقط درباره کفار متعدی استثنای شده است: ﴿إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾. تنها شما را از دوستی کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند، و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند، یا به بیرون راندن شما کمک کردند از اینکه با آنها دوستی کنید، و هر کس آنها را دوست دارد ظالم و ستمگر است. (ممتحنه: ۹)

دعوت به توحید، که امری مشترک در ادیان است، موضوعیت داشته و از موجبات

۱. درباره ارزش سؤال کردن و نتایج هدایت بخش آن روایات فراوانی وجود دارد؛ از جمله اسلام آوردن مرد یهودی در اثنای سؤال از امیرمؤمنان ع که در ارشاد القلوب نقل شده است. (ر.ک: دیلمی، ارشاد القلوب الی الصواب، ج ۲، ص ۳۷۷)

تقویت همزیستی است؛

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾. (آل عمران: ۶۴)

بگو: «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم، و بعضی از ما، بعض دیگر را - غیر از خدای یگانه - به خدایی نپذیرد. هر گاه (از این دعوت،) سرباز زنند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم!»

این در حالی است که طبق تجربه بشری، دعوت به یک دین خاص حساسیت برانگیز، و نیازمند ظرافت است. داعی به اسلام باید به توحیدی دعوت کند که آن توحید به انضمام حُسن رفتار وی، معرف دین اسلام باشد: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾. گفتار چه کسی بهتر است از آنکس که دعوت به سوی خدا می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد و می‌گوید: من از مسلمین هستم. (فصلت: ۳۳) در این آیه دعوت به توحید توصیه شده، ولی دعوت به اسلام توصیه نشده. بلکه می‌گوید عمل صالح انجام بده و بگو من مسلمانم! که این با روایات وارده مبنی بر دعوت مردم («الناس») که افاده عموم می‌کند، فارغ از دین و مذهب) با عمل (صداقت، ادای امانت، حسن جوار، حسن خلق و...) و غیر لسان (بغیر السننکم) نیز مطابقت دارد؛ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۱۹۸) به دیگر سخن، توحید يك مسلمان واقعی صرفاً یک اندیشه و عقیده خشک نیست. اندیشه توحید بر سراسر وجود یک موحد واقعی احاطه دارد؛ بر همه اندیشه‌ها، ملکات و رفتارهای او سیطره پیدا می‌کند و به همه آنها جهت می‌بخشد. (مطهری ب، ۱۳۹۰ش، ج ۲، ص ۲۴۹) از این رو جامعه متمدن جایی بروز و ظهور خواهد داشت که در آن عمل صالح رایج است و نزاع در آن در حداقل ممکن است. زیست مشترک در حج نمونه‌ای کوچک و کامل از آن است.

با این حال توحید دال مرکزی تمدن اسلامی است و حاکم بر اصول همزیستی و امت اسلامی حق عدول از آن را ندارد. حضرت ابراهیم با علم به اینکه قوم ایشان در صدد قتل و سوزاندن ایشان برخوانند آمد (عنکبوت: ۲۴) اظهار می‌کنند:

﴿إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا... وَمَأْوَاكُمُ التَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾. (عنکبوت: ۲۵)

شما غیر از خدا بتهایی برای خود انتخاب کرده‌اید که مایه دوستی و محبت میان شما در زندگی دنیا باشد، سپس روز قیامت هر یک به دیگری کافر می‌شوید و یکدیگر را لعن می‌کنید و جایگاه شما آتش است و هیچ یار و یوری نخواهید داشت!

بررسی تک تک احکام اسلام این نکته روشن را یادآور می‌شود که راه توسعه و تحول و تمدن سازی از استقرار همزیستی می‌گذرد که البته پرداختن به هریک تحقیقی جداگانه می‌طلبد؛ برای مثال امر به معروف و نهی از منکر هم مشروط به عدم وجود مفسده و احتمال تأثیر است.

آنچه نقش محوری در تحکیم جامعه و امت اسلامی دارد، درک ضرورت همزیستی، جبهه بندی متحد مقابل دشمن این همزیستی و تغییر نگاه به مناسک راهبردی، به طور ویژه در حج، است.

### و) غایت همزیستی

بین مدنیت و امکانات مادی و معنوی نسبتی مستقیم وجود دارد. در یک تمدن مترقی منافع مادی و معنوی مدام در مخاطره نیست. لازمه این امر نصرت و مشارکت همگانی بر امر اجتماعی است. آنچنان که خداوند به رسول خود فرموده:

﴿وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدِكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾. (انفال: ۶۲)

و اگر بخواهند تو را فریب دهند خدا برای تو کافی است او همان کسی است که تو را با یاری خود و مؤمنان تقویت کرد.

در این آیه خدای متعال مؤمنان را در ردیف نصرت خودش قرار می دهد. «تمدن اسلامی» جز با حضور، توجه و مبادرت مردم امکان پذیر نیست. «وَأَلَيْسَ أَمْرُؤُا وَإِنْ عَظُمَتْ فِي الْحَقِّ مَنَزِلَتُهُ وَتَقَدَّمَ فِي الدِّينِ فَضِيلَتُهُ بِمَوْقٍ أَنْ يُعَانَ عَلَى مَا حَمَلَهُ اللَّهُ مِنْ حَقِّهِ»؛ ... هیچ کس نیست که محتاج کمک مردم نباشد». (بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۱۴۰۲/۱۰/۲۶) از این رو چنین جامعه ای در مسیر تمدن است و همزیستی را برای این مقصد عینیت بخشیده است. منافع مشترک مسلمانان هم جز با این ضابطه قابل استیفا نیست و حج تمرین و قیامی برای آن است.

### نتیجه گیری

نتیجه تحلیل مضامین توصیه های آیت الله خامنه ای درباره تمرین همزیستی در موسم های حج نشان می دهد که مضامین پایه ای، مضامین محوری و شبکه مضامین، منطبق بر آموزه های قرآنی و روایی بوده است؛ به گونه ای که زندگی در جهان پر از تفاوت و تضاد و مملو از استضعاف و استکبار را بدون اینکه به نادیده گرفتن هنجارها بینجامد ممکن می سازد. آنچه از مجموع گفته های پیش می توان نتیجه گرفت عبارت است از:

۱. امت اسلام امروزه نیازمند سطحی از تغافل نسبت به تمایزات و تفاوت هاست تا بتواند از اختلافات گذر کرده و به زیست مشترک مبتنی بر منافع امت دست یابد.

۲. در اندیشه آیت الله خامنه ای جبهه بندی و مرزبندی اصلی در دوگانه «استکبار- استضعاف» صورت بندی می شود و مابقی مرزبندی های مانع مراودات بشری، کاذب و مایه زوال و هلاکت قلمداد می شود.

۳. تمدن اسلامی محقق نمی شود، جز به استقرار باثبات همزیستی در سایه آموزه های اسلام.

۴. کلیه مسلمانان و خصوصاً حجاج بیت الله الحرام نیازمند ادراک عمیقی از مصادیق تغافل و هوشیاری هستند و باید سطح به سطح به اعتبار استیفای منافع مادی امت و سپس منافع معنوی به همزیستی خود عمق ببخشند. آن همزیستی عمیق تر در برخی روایات به «تعاشر» نام گذاری شده است.

۵. اسلام مرزبندی‌های کاذب که موجب خود برتری‌نمی و زورگویی و انظلام بین انسان‌ها می شود را مطلقاً قبول ندارد و در حج این آموزه الهی در پررنگ‌ترین وجه خود نمایانده می شود.

۶. فریضه حج قیامی برای وفاق بین انسانهای متعارف و شروعی برای بسیج عملی علیه مستکبران عالم است و غایت آن تمدنی آزاد، عادلانه و معنوی است.

## منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۱. آبی، منصور بن حسین، (۱۴۲۴ق)، نثرالدرفی المحاضرات، تحقیق خالد عبدالغنی محفوظ، بیروت، دارالکتب العلمیه.
  ۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم (تصحیح رجایی)، قم، دار الکتب الإسلامی.
  ۳. ارژنگ، اردوان، (۱۳۹۹)، «الگوی رفتاری فطانت (هوشیاری) و تغافل (چشم پوشی) در سبک زندگی اجتماعی»، دوفصلنامه سبک زندگی، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ص ۲۹-۵۳.
  ۴. شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۹۶۶م)، علل الشرایع، قم، داورى.
  ۵. -----، (۱۳۶۲ش)، الخصال، قم، جامعه مدرسین.
  ۶. -----، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چاپ دوم.
  ۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
  ۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)،

۱۶. شهید اول، محمد بن مکی، (۱۳۷۹ش)،  
الدرة الباهرة من الاصداف الطاهرة، قم، زائر.
۱۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی،  
(۱۴۱۴ق)، حاشیه الارشاد، تصحیح رضا  
مختاری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۸. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵ش)، مجمع  
البحرین، تهران، مرتضوی، چاپ سوم.
۱۹. بیگدلی، علی، (۱۳۷۴ش)، تاریخ اندیشه‌ی  
سیاسی در غرب از طالس تا مارکس، تهران:  
لادن.
۲۰. گرجی، ابوالقاسم، (۱۴۰۱ش)، تاریخ فقه و  
فقهها، تهران: سمت، چاپ هجدهم.
۲۱. عابدی جعفری و دیگران، (۱۳۹۰ش)،  
«تحلیل مضمون و شبکه مضامین، روشی  
ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود  
در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت  
راهبردی، سال پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)،  
پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۵۱-۱۹۸.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)،  
کتاب العین، قم، هجرت، چاپ دوم.
۲۳. کراچکی، محمد بن علی، (۱۴۱۰ق)،  
کنزالفوائد، تصحیح نعمة عبدالله، قم،  
دارالذخائر.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ق)،  
الکافی، قم، دارالحدیث.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۱۲ق)، بیست و  
پنج رساله فارسی، قم، انتشارات کتابخانه  
لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ  
سوم.
۹. جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر، (۱۴۲۳ق)،  
البيان و التبیین، تحقیق علی بوملحم،  
بیروت، دار و مكتبة الهلال.
۱۰. جعفری پناه، مهدی و خان محمدی،  
یوسف، (۱۳۹۹ش)، «اندیشه صلح در  
منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای»، فصلنامه  
مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۷، شماره ۶۰،  
صص ۵۳-۷۰.
۱۱. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن  
نصر، (۱۴۰۸ق)، نزهة الناظر وتنبیه الخاطر،  
قم، مهر.
۱۲. خزاز رازی، علی بن محمد، (۱۴۰۱ق)، کفایة  
الانثرفی النص علی الائمة الاثنتی عشر، قم،  
نشر بیدار.
۱۳. دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۱۲ق)،  
ارشادالقلوب الی الصواب، قم، نشر الشریف  
الرضی.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد،  
(۱۴۱۲ق)، المفردات، تحقیق صفوان  
عدنان داودی، دمشق، دارالعلم.
۱۵. رجبی، هادی، (پاییز ۱۳۹۸ش)، «راهبردهای  
اتحاد جهان اسلام با ابتنای بر دیدگاه‌های  
مقام معظم رهبری»، نشریه پژوهش‌های  
سیاسی جهان اسلام، دوره ۹، شماره ۳،  
صص ۶۱-۸۵.

- آیه الله مرعشی نجفی.
۲۶. -----، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الأطهار، بیروت، دار احیاء تراث العربی.
۲۷. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰ش)، التحقیق فی کلمات قرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۸. مطهری، مرتضی الف، (۱۳۹۰ش)، یادداشت‌های شهید مرتضی مطهری (ج ۱)، تهران، صدرا.
۲۹. مطهری، مرتضی ب، (۱۳۹۰ش)، مجموعه آثار (ج ۲)، تهران، صدرا.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۵ق)، أنوار الفقاهة - کتاب النکاح، قم، انتشارات مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (ع).<sup>۱</sup>
۳۱. منتظری، حسینعلی، (۱۴۰۹ق)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، قم، مؤسسه کیهان.
۳۲. مولایی آرانی، مهدی، (۱۴۰۱ش)، «مناسبات اقوام در ایران در اندیشه آیت الله خامنه‌ای»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۹۱، پاییز ۱۳۹۱، ص ۸۳-۱۰۲.
۳۳. نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵ش)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة (رجال نجاشی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ششم.
۳۴. ابن سعید حلّی، یحیی بن احمد، (۱۳۹۴ق)، نزهة الناظر فی الجمع بین الأشباه والنظائر، قم، منشورات رضی.
35. Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Research Qualitative*, v (1), pp 385-405.
36. Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in psychology*, 3 (2), pp. 77-101